

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مرجان افتخاری

۱۱/۰۲/۰۱

مقاومت مردم مصر و احتمالات ممکن

دنیای عرب با بحرانی بی سابقه ای روبرو است. بحران قدرت سیاسی که ادامه بحران اقتصادی ساختاری در کشورهای سرمایه داری غرب است. پس از اعتراضات مردم در الجزایر که ظاهراً اکنون آرام گرفته و جنبش تونس که به سرنگونی دیکتاتوری ۲۳ ساله بن علی انجامید اکنون چند روزی است که بحران قدرت در مصر بزرگترین کشور عربی آغاز شده است. اگر چه شرایط برای حرکت‌های اعتراضی در کشورهای اردن، یمن، لیبی، سودان و عربستان سعودی این ارتجاعی‌ترین کشور خاورمیانه وجود دارد ولی فعلاً در حال حاضر غیر از حرکت‌های بسیار ضعیف و پراکنده هیچ نشانه دیگری وجود ندارد.

ویژگی سیاسی در تمام این کشورها، رژیم‌های دیکتاتوری است. سرکوب آزادی‌های دموکراتیک، زندان شکنجه، کنترل کامل مردم و نهاد‌های اجتماعی به وسیله سیستم پولیسی پیچیده جزء جدا ناپذیر قدرت سیاسی در این کشورها است. از سوی دیگر شکل‌های عقب مانده ساختار سیاسی امیری، خلیفه‌ئی، پادشاهی و رئیس‌جمهوری‌های دائمی که از پدر به پسر و اگذار میشوند هم جزء بافت قدرت سیاسی آنها است. در کنار این مجموعه، قدرت ارتش و نیروهای سرکوبگر در پشت صحنه بخش مهمی از قدرت سیاسی است. علاوه بر این در یمن، سعودی و سودان اجراء قوانین ارتجاعی شرع اسلام، قصاص، هم غیر انسانی‌ترین و وحشیانه‌ترین نوع حکمتی است که عرصه زندگی را برای مردم سخت‌تر و غیر ممکن کرده است.

تا قبل از بحران ساختاری نظام سرمایه داری در سال ۲۰۰۸، بیکاری و فقر جزء مشکلات اصلی اکثریت مردم بود. اما تأثیرات بحران اقتصادی با کمی تأخیر، ولی ویرانگرتر زندگی میلیون‌ها میلیون نفر را در این کشورها مورد تهدید قرار داده است. به طوریکه برنامه‌های ریاضت اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و دولت‌ها فشار چند برابری است که بار سنگین آن تنها و تنها بر دوش طبقه کارگر و تهیدستان این کشورها است. به گونه ای که هیچ راه حل و هیچ امیدی برای جوانان که ۶۰٪ جمعیت را در این کشورها را تشکیل می‌دهند، وجود ندارد.

وزنه سیاسی مصر و نقش آن در صحنه بین‌المللی

مصر کشوری است بزرگ با بیش از 80 میلیون نفر جمعیت، که تا کنون در صحنه بین المللی نقش ستراتژتیک و دیپلماتیک مهمی در بین کشورهای عربی، رابطه بین کشورهای عرب-اسرائیل و در مورد مشکل دائمی و بدون راه حل فلسطین و اسرائیل داشته است. حسنی مبارک و دولت او مورد اطمینان کامل و طرف اصلی مذاکرات امپریالستها، به ویژه امریکادر مورد مسائل خاورمیانه است. به همین دلیل پس از اوج گیری خیزش مردم در شهرهای بزرگ مصر، قاهره، الکساندریه، وسوئز و درگیریهای مردم با پولیس، واکنشهای فوری از طرف رئیس جمهوری امریکا و تشکیل کمیته فوری امنیت ملی را پی داشت. حتی در فروم اقتصادی سوئیس نخست وزیر ژاپن مجبور شد در مورد وضعیت اقتصادی مصر اظهار نظر کند. تمام کشورهای سرمایه داری بزرگ با احتیاط همراه با ابهام به ضرورت تغییرات اقتصادی و اجتماعی در مصر اشاراتی داشتند. در حقیقت مصر و رژیم آن بازوی دیپلماتیک در منطقه حساس خاورمیانه محسوب میشد که خلاء آن با توجه به درگیریهای دائمی در لبنان، فلسطین، اسرائیل و سوریه میتواند برای غرب بسیار گران تمام شود.

نیروهای سیاسی در مصر

غیر از چند کشور مانند عربستان، یمن و لیبی، در اکثر کشورهای عربی احزاب فرمایشی که در حقیقت هیچ نقشی در قدرت و صحنه سیاسی ندارند وجود دارند. در تونس تقریباً شش حزب وجود داشت ولی قدرت اصلی را حزب RCD در دست داشت. در مصر حزب دموکراتیک ملی نزدیک به سی سال است که تمام ارگانها و نهادهای دولتی و غیر دولتی مهم را در اختیار دارد. احزاب دیگر که شاید فقط اسمی از آنها در زمان رأی گیری های فرمالیته مطرح شوند عبارتند از، حزب سوسیالیست کار، گروه ناصریهای چپ، حزب سبز، حزب جوانان مصر، حزب اتحاد دموکراتیک، حزب ناصریهای دموکراتیک عرب و حزب لیبرال مصر. جریان برادران مسلمان "اخوان المسلمین" تنها گروه بزرگ و سازمانیافته اسلامی در بین این دسته است که دارای تشکیلات محلی در اکثر شهرهای مصر به خصوص در مناطق محروم و روستائی است.

ارزیابی از جنبش مردم مصر

تمام شواهد و اخبار نشان میدهد که جنبشی که اکنون یک هفته از آن گذشته است کاملاً خود به خودی و مردمی است. هیچ جریان و حزب سیاسی قدرت رهبری این جنبش فرا گیر را نداشته و ندارد. با توجه به وجود تانکها، هلی کوپترها و جت‌های که امروز، یکشنبه، برای هراس و وحشت مردم آسمان مصر را پوشانده اند مانع حضور مردم در خیابانها نشده است. در همین هنگام تمام دولتهای اروپائی، اتحاد اروپا و امریکا در حال مذاکرات محرمانه با حسنی مبارک برای جستجوی راه حلی هستند.

آنچه که بیش از همه محتمل است و میتواند منافع اسرائیل، امریکا و کشورهای اروپائی را تأمین کند، و همچنین احتمال یک کودتای نظامی توسط ناسیونالیستهای ارتش را خنثی نماید، کنار گذاشتن حسنی مبارک و انتقال قدرت به کسانی است که در گذشته و هم اکنون در صحنه بین المللی سوابق سیاسی شناخته شده ای دارند. افرادی مانند البرادعی رئیس انرژی اتمی و یا عمر موسی رئیس اتحادیه عرب که سالها سفیر مصر در هند و سپس در دهه ۱۹۹۰ به عنوان دیپلمات در سازمان ملل مشغول به کار بوده است، در بین سیاستمداران مصر از این نمونه شخصیتها که مورد اطمینان تمامی کشورهای غرب و اسرائیل باشند و از طرف دیگر مردم هم نسبت به آنها بد بین نیستند، می تواند تکیه گاه امپریالیزم در حل مشکل به نظر آید.

در حقیقت آرام کردن مصر و جلوگیری از گسترش جنبشهای مردمی در کشورهای دیگر عرب، با قربانی کردن حسنی مبارک به نظر تنها راه باقی مانده برای کشورهای سرمایه داری غرب است. در غیر این صورت غرب با بحران عظیمی در کشورهای دیگر عرب روبرو خواهد شد.

موفقیت مردم مصر در سرنگونی رژیم سی ساله مصر بدون تردید پایان مبارزه نیست ولی قدم بزرگ و بی سابقه ای است برای نشان دادن عزم مردم در مقابل دیکتاتورهای جهان به خصوص عرب. در ضمن درس بسیار خوبی برای کشورهای امپریالیستی است که دیگر نمیتوانند به شیوه سابق در این کشورها سیاستهای خود را ادامه دهند. این موفقیت درس بزرگ دیگری برای کارگران و تهیدستان و همه مردم خواهد داشت، سازماندهی تشکلهای و احزاب واقعی ارگانها و نهادهایی که میتواند به ارگانهای قدرت در زمانی دیگر تبدیل شوند.

اما کسانی که این جنبشها و جنبش سال ۱۳۸۸ در ایران را جنبشهای بورژوازی و یا "شکم سیرها" ارزیابی کردند و به صرف اینکه طبقه کارگر قدرت و رهبری را در دست ندارد قابل دفاع و حمایت نیستند. امروز باید به توده های ملیونی کارگر و تهیدست مصری، تونسی و دیگر کشورها که از جان مایه میگذارند پاسخ مشخص دهند. هیچ تردیدی نیست که عصر انقلابات بورژوا دموکراتیک سالهای سال است که پایان یافته ولی گرسنگان برای "سیر کردن" شکم خود منتظر نخواهند شد.